

قالیباقی تهران
مطالعه موردی فرش تهران در کاخ موزه سبز

کارشناس ارشد موزه سبز نوشین تدین طهماسبی
عکس: لیلی رئوف (آرشیو کاخ سبز)

مقدمه:

در مورد تاریخ پیدایش فرش اطلاعات دقیقی وجود ندارد ولی با توجه به آثار باستانی و کشفیات بشری، ثابت شده است که هنرهایی نظیر سبب بافی، نمده بافی، زیلو بافی، جاجیم بافی و گلیم بافی همه همه مقدمه‌ای بر پیدایش هنر قالی بافی بوده است.

فرش‌های نخستین دارای طرح‌های ساده و ابتدایی و شکسته و عمدتاً ذهنی باف بوده است که جنبه استفاده روزمره داشته‌اند و محققان در مورد مهد فرش بافی در ابتدا به مصر به عنوان مهد این هنر فکر می‌کرده‌اند اما با پیدایش اولین فرش به نام پازیریک که در کوه‌های سبیری در سال ۱۹۴۹ توسط پروفیسور رودنکو کشف گردید نظریات دیگر را باطل نمود و با توجه به این نمونه عملی، مهد قالیبافی از سواحل رود نیل و دجله و فرات، به آسیای مرکزی تغییر مکان داد و ثابت کرد که مهد هنر فرش بافی در ایران بوده است.

احتمالاً برای اولین بار افراد چادرنشین فرش را برای کف خاکی زیر چادرهایشان انتخاب کردند. بعضی مطالعات نشان می‌دهند که ممکن است فرش به وسیله مصری‌ها یا چینی‌ها یا دیگر اقوام اختراع شده باشد.

باستان‌شناسان روسی رودنکو و گربازنوف در سال ۱۹۴۹ و در دره پازیریک حدوداً در ۵۰۰۰ فوتی کوه‌های آلتایی، کشف کردند؛ که در پنج قرن قبل از میلاد فرش بافی به بالاترین حد خود رسیده بود، این فرش به فرش گره دار معروف است. در دست نوشته‌های چینی‌ها، اولین مدرک موجود در رابطه با موجودیت فرش پیدا شد که مربوط به سلسله ساسانیان می‌باشد.

در این مقاله به بررسی تاریخ تهران و قالیبافی تهران و قالی دستباف تهران موجود در اتاق خاتم کاخ موزه سبز پرداخته می‌شود.

کلمات کلیدی: قالیبافی - تهران - کاخ سبز - اتاق خاتم

معرفی تهران :

تهران در شمال شهر ری واقع است و دارای باغ‌های فراوان و میوه‌های متنوع و درختان زیبا می‌باشد و همچنین آب و هوای خوش دارد. پس از آنکه شهر ری دو بار مورد حمله مغولان قرار گرفت اهالی آن رو به بلاد دیگر من جمله تهران نهادند. کهن‌ترین سند فارسی موجود درباره نام تهران نشان دهنده این مطلب است که تهران پیش از سده سوم هجری قمری وجود داشته است و همچنین در نوشته‌های تاریخ‌نگارانی چون ابن اسفندیار، عمادالدین زکریای قزوینی و حمدالله مستوفی و برخی دیگر همگی معترفند که تهران دارای محلاتی بوده که در زیرزمین ساخته شده بود و اهالی آن در زیرزمین بیتوته می‌کردند.

پس از فروپاشی صفویه و به روی کار آمدن افشاریه و به خصوص در زمان نادرشاه که پادشاهی خود را مشهد و خراسان قرار داده بود. تهران اهمیتی

ثانوی یافت و شاه حکومت تهران را در سال ۱۲۵۳ ه.ق به پسر ارشدش رضاقلی میرزا سپرد.

در زمان حمله مغول شهر ری ویران شد و انبوهی از جمعیت آن قتل‌عام شدند. سپس گروهی از مردم این شهر به سوی قریه تهران مهاجرت کردند. کوشش‌هایی که ایلخان غازان (۷۰۳-۵۶۹۴-ق) برای عمران شهر ری انجام دادند با شکست مواجه شد و ورامین نیز سرانجام به صورت تلی از خاک درآمد. اما تهران در قرن هشتم و نهم قمری از این رویداد به تدریج سود برد. سفیر اسپانیا نخستین جهانگرد غربی که از تهران یاد کرده‌است در حالیکه برای ملاقات تیمور لنگ در سفر به سمرقند از تهران گذر می‌کرده شهر را بسیار وسیع و دلپذیر یافته و نوشته‌است که در یک قصر به او مسکن داده‌اند. این بنا بزرگ‌ترین ساختمان شهر بوده و تیمور لنگ هنگام عبور از تهران در این مکان فرود می‌آمده‌است. این قصر نخستین بنای معظم تهران است که در متون از آن یاد شده‌است. منتهی‌الیه جنوب شرقی تهران در قرن نهم تقریباً در نزدیکی محلی بود که در حال حاضر بقعه سید اسماعیل در آن قرار دارد. محله چاله میدان فعلی به همراه امامزاده یحیی مرز شمال شرقی شهر را تعیین می‌کرده‌است. اقامتگاه‌های زیرزمینی، خانه‌ها و بستان‌ها با گردش به سمت غرب، تا آن سوی امامزاده یحیی امتداد می‌یافتند و تا محل کاخ کنونی گلستان پیش می‌رفتند. این بخش ضلع شمال غربی مجتمع شهری عصر تیموریان را تشکیل می‌داده‌است.



تهران در دوران صفویه و اوایل قاجار - اولین نقشه شهر که در سال ۱۲۳۷ تهیه شده‌است

اهمیت و آبادانی و رونق تهران از زمان دودمان صفوی آغاز گردید. چون نیای بزرگ صفویان بنام سید حمزه در شهر ری مدفون بوده و هم به جهت وجود باغهای وسیع و آب گوارا و چنارهای بلند و زیبا، شاهان صفوی هر چند یک بار بدانجا روی می‌آوردند و بدین ترتیب تهران مورد توجه پادشاهان صفوی به ویژه شاه تهماسب یکم واقع گردید و وی دستور ساختمان بارویی به دور شهر را داد که دارای چهار دروازه و ۱۱۴ برج به تعداد سوره‌های قرآن بود و برای بنای حصار شهر از دو منطقه داخل شهر خاکبرداری انجام شد که بعدها این دو

منطقه به چاله حصار و چاله میدان معروف شدند. حدود تقریبی نخستین حصار شهر تهران از جنوب به خیابان مولوی و حاج ابوالفتح، از سوی شرق به خیابان ری، از غرب به خیابان شاهپور (وحدت اسلامی) و از شمال به امیرکبیر و سپه (امام خمینی) محدود می‌شد و محوطه ارگ تهران در میانه شمالی شهر قرار داشت و خندق نیز به دور حصار کشیده شده بود و محله‌های عمده درون حصار

شامل بازار، عودلاجان، سنگلج، ارگ، چاله میدان و چاله حصار می‌شده است. محدوده درون حصار حدود ۴ کیلومتر مربع بوده و درازی باروی دور آن در کتاب‌های معتبر حدود ۶ هزار گام نگاشته شده است و فضای بیرون از حصار شامل باغها و کشتزارهای پهناوری بوده که امروزه همگی به محدوده‌های شهری تهران مبدل گردیده‌اند. در روزگار واپسین پادشاهان صفوی برخی اوقات تهران مقر موقتی دربار گردید و حتی شاه سلیمان در آنجا کاخی بنا نهاد و در زمان سلطان حسین صفوی که هم‌زمان با حمله افغان‌ها در تهران بسر می‌برده برابر یورش افغانها به سختی ایستادگی نموده و تلفات سنگینی را به نیروهای اشرف افغان وارد ساخت اما سرانجام تهران سقوط نمود و افغانها نیز به جهت گرفتن انتقام شهر را ویران کردند و بعدها پس از راندن افغانها، شاه تهماسب دوم به تهران بازگشت و در زمان نادرشاه افشار تهران از نو نام و نشانی یافت و وی فرمان داد که انجمنی از همه دین شناسان شیعه و سنی در آنجا تشکیل شود و آنان اختلافات دیرینه خویش را کنار گذارند و موجبات یکپارچگی اسلام را فراهم آورند.

بعدها با سرنگونی افشاریان، تهران در گستره نفوذ قاجارها که رقیب کریمخان زند بودند درآمد و در طی جنگ و کشاکش میان خان قاجار و کریمخان لشکر قاجار تارومار شد و کریمخان با لشکر خویش وارد تهران گردید و ظاهراً قصدش این بود که تهران را پایتخت خویش کند بدان سبب که ساختمان دیوانی را در آنجا بنا نهاد و به فرمان او برج و باروی شهر تعمیر گردید و ارگ سلطنتی نیز بازسازی شد.

پس از مرگ کریمخان زند آقا مجدخان پس از نبرد سختی که با لطفعلی خان زند داشت بر کشور چیره گردید و تهران را در آغاز سده سیزدهم و به سال ۱۱۶۴ خورشیدی، پایتخت خویش قرار داد و از آن پس تهران دارالخلافه به معنی پایتخت نامیده شد و سران طایفه زند به یافت آباد در جنوب دارالخلافه تبعید شدند.

در طول روزگار قاجاری تهران گسترش زیادی یافت و ساخت و سازهای فراوانی در آن انجام گرفت و در دوره سلطنت فتحعلی شاه محلات تازه و ساختمان‌های چندی در تهران ایجاد گردید که از آن جمله مسجد امام خمینی (شاه)، مسجد سید عزیزالله، مدرسه مروی، قصر قاجار باغ نگارستان و لاله‌زار را می‌توان نام برد. همچنین طول باروی شهر به ۷/۵ کیلومتر افزایش یافت و با ۶ دروازه به بیرون از شهر پیوسته گردید.

در زمان مجدشاه قاجار گسترش و رونق تهران همچنان ادامه یافت و دو کوی تازه، یکی بنام عباس‌آباد و دیگری مجدیه به محلات تهران افزوده گشت و

آب رودخانه کرج بنام نهر کرج به تهران انتقال یافت که آب روان میان بلوار کشاورز یادگار همان زمان است.

در آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه به جهت افزایش چشمگیر جمعیت دیگر فضایی برای ساخت و ساز درون حصار قدیمی باقی نمانده بود بنابراین ایجاد محلات در بیرون از حصار قدیمی انجام یافت که از آن جمله کاخهای شاهی، کوشک‌های اعیانی، سفارتخانه‌ها و منازل خارجیان همگی در بیرون از حصار ساخته شد و به کوشش اصلاحگر بزرگ ایران، امیر کبیر نهادهای چندی از جمله مدرسه دارالفنون، بازار امیر، بازار کفاشها و سرای امیر پدید آمد که خود در گسترش مکانی شهر تهران بی تأثیر نبوده‌است.



تهران اوایل دوره قاجار

جمعیت تهران در این دوره بیش از ۱۵۰ هزار نفر نگاشته شده‌است. در همین زمان نیاز به تعیین محدوده تازه شهر تهران احساس می‌شد و این کار نیازمند تهیه نقشه‌ای از تهران بود.

گروهی به سرپرستی اعتضادالسلطنه با همکاری موسیو کرشیش سرتیپ و آموزگار توپخانه و دستیاری چندین نفر از شاگردان دارالفنون نقشه‌ای از تهران تهیه کردند و این نخستین نقشه دارالخلافه تهران به مقیاس ۱:۱۰۰۰ بوده‌است و از آنجایی که امکانات و وسایل فنی در اختیار هیئت تهیه نقشه نبوده از اینرو فاصله‌ها با گام و زاویه‌ها با تقریب اندازه‌گیری می‌شده‌است، بر این پایه نقشه

مزبور از جهت نشان دادن شکل و موقعیت شهر و محله‌های درون آن و دروازه‌ها در نوع خود نقشه موفقی بوده و چهره تهران قدیم را کاملاً در برابر دیدگان مجسم می‌سازد.

پس از تهیه نخستین نقشه تهران، از نو در سال ۱۲۴۵ خورشیدی، با همکاری مهندس هلر فرانسوی و تعدادی از مهندسان و معماران ایرانی نقشه دیگری از تهران طرح‌ریزی شد که در آن پیرامون شهر را به وسیله خندقها و باروهای نو به شکل هشت ضلعی و با ۱۲ دروازه محدود ساختند که ارتباط داخل و خارج شهر از طریق این دروازه‌ها صورت می‌پذیرفته‌است. دروازه‌های مزبور به ترتیب شمیران، دولت، یوسف آباد، دوشان‌تپه، دولاب، خراسان، باغشاه، قزوین، گمرک، حضرت عبدالعظیم، غار و خانی‌آباد نامیده شدند. مقارن سال ۱۲۶۵ خورشیدی، مهندس عبدالغفار نجم‌الملک معلم ریاضیات مدرسه دارالفنون با دستیاری عده‌ای از معلمان دیگر و بیست نفر شاگردان مدرسه مزبور از شهر جدید به مقیاس ۱:۲۰۰۰ نقشه‌برداری کردند و محیط شهر را به میزان ۱۹۲۰۰ متر اندازه‌گیری کرده و جمعیت تهران را در حدود ۲۵۰ هزار نفر سرشماری نمودند. هیئت نامبرده برای تهیه نقشه ۴ سال وقت صرف نمودند و بالاخره در سال ۱۲۶۹ خورشیدی، نقشه تهران جدید به چاپ رسید که در سنجش با نقشه‌های قبل از دقت بیشتری برخوردار بوده‌است.

از نخستین مهاجرانی که به تهران آمدند، افراد ایل قاجار از گرگان، آذربایجانی‌ها، مردم قم، اراک، تفرش، آشتیان، اصفهان، کاشان و یزد بودند.

پیشه‌ها در دوران اولیه تقریباً بدین‌گونه میان مهاجران تقسیم شده بود: در امور اداری و دبیری و دفتری بیشتر مردم آشتیان و تفرش و اراک، بناها قمی و یزدی، فرش‌فروش‌ها آذربایجانی و کاشی و قمی، دباغ‌ها همدانی، گرمابه‌دارها مازندرانی، سلمانی‌ها گیلانی، شیرینی‌پزها آذری و یزدی، صیفی‌کارها قمی و یزدی و اصفهانی غیره

امروزه بخش بزرگی از مردم تهران از مهاجران تشکیل شده‌است. اکثریت مهاجرین به تهران ایرانی هستند و درصد کمی از مهاجرین را مهاجرین از کشورهای دیگر هم چون افغانستان - عراق - یوگسلاوی - بوسنی و روسیه تشکیل می‌دهند.

بیگمان دگرگونی‌های بنیادین در تهران از سال ۱۳۰۰ به بعد ایجاد شده‌است که به چهار دوره کاملاً جدا تقسیم می‌شود. سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ که در پی آن خندق‌ها و دروازه‌ها از میان برداشته شد و شهر از چهار سوی رو به گسترش نهاد و اندکی شکل منظم و هندسی یافت. همچنین ساختمان‌ها و تأسیسات بانک ملی) از آن میان ساختمان صندوق بانک ملی ایران(، وزارت امور خارجه، شهرداری کل کشور، ایستگاه راه‌آهن، دانشگاه تهران، ایستگاه فرستنده رادیو تهران، باشگاه افسران و چند بیمارستان مربوط به این دوره می‌باشد.

سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ که هم‌زمان با جنگ جهانی دوم بوده و به دلیل پیامدهای ناشی از جنگ جهانی و مسائل و مشکلات سیاسی برآمده از آن تغییرات چشمگیری در کشور پدید نیامد.

سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ که طی آن شهر تهران به سرعت توسعه یافت و ساختمان‌های پیشرفته و شهرک‌ها و باغ‌راه‌ها (بلوارها) ی تازه‌ای ساخته شد در سال ۱۳۴۸ قرار بود یک مجموعه بزرگ شهری به نام شهستان پهلوی در تپه‌های عباس‌آباد تهران ساخته شود، در این مجموع قرار بود ساختمان‌ها و برج‌های بلندی مانند برج شیر و خورشید ساخته شود و پس از ساخت می‌توانست به بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین در آسیا تبدیل شود. پیشرفت تکنولوژی تهران به گونه‌ای بود که گردشگرهای خارجی، تهران را توکیو دوم آسیا خطاب می‌کردند، در سال ۱۳۵۵ تهران به عنوان یازدهمین شهر پیشرفته دنیا از نظر ساختمان‌سازی و تکنولوژی مدرن رونمایی شد. جمعیت شهر بر پایه آمار سال ۱۳۵۵ به ۴/۳۵۰/۰۰۰ نفر بالغ گردید.

دوره چهارم سال ۱۳۵۷ که هم‌زمان با انقلاب ۱۳۵۷ خورشیدی، تغییر رژیم سیاسی کشور و حاصل آن تغییر چشمگیر در همه ابعاد جامعه بوده‌است، گسترش تهران در طی این سال‌ها مربوط به عوامل چندی از جمله جنگ ایران و عراق و مسئله جنگ‌زدگان، تمرکز همه امکانات آموزشی و بهداشتی، درمانی و رفاهی در تهران موجبات گسترش بی‌رویه جمعیت در این شهر گردیده‌است [نیازمند منبع] [و دقیقاً همین امر سبب ایجاد معضلات اجتماعی و اقتصادی بیشماری را برای شهروندان تهرانی در پی داشته‌است که از آن جمله به اختصار می‌توان آلودگی محیط زیست، راه‌بندان‌ها و مشکلات ترابری شهری، پیشه‌های کاذب و بسیاری مسائل اقتصادی و زیستی را برشمرد.

تاریخچه فرش تهران:

به طور حتم قالیبافی که از مشاغل مهم خانوارهای ایرانی بوده، در تهران نیز رواج داشته است. نقاشیها و عکسهای قدیمی ماهیت روستایی فرشهای قدیم تهران را نشان می‌دهند. برای مطالعه و دستیابی به مصداقهای قالی روستایی تهران اکتفا به وضعیت فرشبافی امروز راه به جایی نخواهد برد. زیرا تحولات ۱/۵ قرن گذشته تا بحال تهران را چنان دگرگون کرده که بافت قالی روستایی قدیم تهران با هویت گذشته اش به ندرت بافته شده یا اصلاً رواج ندارد. با گذشت زمان از آنجا که تعدادی از خانوارهای متمول قاجاری از سر علاقمندی به تولید قالی اقدام نمودند و در همین دوره، سیل مهاجرین به مرکز ایران روانه شد. به تدریج هیئتی تازه برای قالی تهران رقم خورد و به واسطه دخل و تصرفات مهاجرین و انتقال تجارت قالیبافی سنتی خود و تلفیق آن با قالی روستایی تهران، گرایش به سبک شهری در فرشبافی تهران به وجود آمد که البته با از بین رفتن متولیان این امر، این حرکت نیز رو به نابودی گذاشت. بطوریکه برای مطالعه و بررسی طرحها و نقوش قالی های این دوره فقط می‌توان به عکسها و نمونه های موزه ای رجوع کرد زیرا امروزه از آن نوع طرحها و نقشها در قالیهای بافت تهران امروز، اثری نمی‌توان یافت. تحولات فرشبافی در تهران، در حدود سه دهه اخیر بسیار گسترده تر و متفاوت از گذشته آن بوده و حتی می‌توان گفت در قالی ایران بی سابق بوده است. این تحولات به خصوص در ۲۰ سال گذشته، یعنی پس از انقلاب به اوج رسیده است. که از دلایل مشخص آن فراوانی مهاجرت از سایر شهرها به تهران است.

ساختار:

تارهای قالی تهران از جنس نخ پنبه ای بوده و پود نازک آنها به رنگ آبی و پود ضخیم به رنگ سفید مورد استفاده قرار می گیرد. پشمی که در این قالی ها بکار رفته است دارای کیفیتی بسیار عالی است و به همین دلیل قالی های تهران دارای حالتی ابریشمین و مخملین هستند. گره های آنها از نوع فارسی باف است ارتفاع پیرزها کوتاه و بافت آنها نسبتاً فشرده و سبک است.

طرح های رایج:

همچنانکه پیشتر نیز اشاره شد قالیبافی تهران کاملاً متأثر از مهاجرت های بی رویه از نقاط مختلف کشور به آن شهر می باشد. بطوریکه به علت مهاجرت و اسکان تعدادی از قالی بافان شهرستانی در این شهر، طبعاً همه نوع بافت و طرحی را در میان فرش های تهران می توان جستجو کرد. با تمامی اینها، قالیهای تهران عمدتاً در زمینه روشن و با بهره گیری از نقوش قدیمی و یا اشکال جدید در طرحهای لچک و ترنجی، درختی حیواندار، درختی ساده، هندسی خاتم شیراز، بازوبندی و هراتی با حاشیه سماوری و ... بافته می شوند. طرحهای پیچک دار مشبک در تکرارهای متوالی نیز در تهران رایج است، همچنین از طرح های رایج دیگر می توان به فرشهای تصویری اشاره کرد. طرح مناطق قم، تبریز، نائین، کاشان و اصفهان نیز در تهران بافته می شود ولی سبک نائین و کاشان بیشتر است. ترنج آن گرد، چند قسمتی یا دارای دو گوشه کشیده است. چهار عدد لچک آن اکثراً به رنگ آبی یا قرمز دیده می شوند. با این همه، سبک نقش آن تا اندازه ای بی قاعده است و دارای جلال و شکوه چشمگیر قالی های کلاسیک اصفهان نیست که از آنها اندکی الهام گرفته است. نقوش اسلیمی آن از خوشه های درشتی تشکیل یافته که خطوط آن، در اکثر موارد، در یک بی نظمی بهم پیچیده ای درگیر می شوند که به نظر طراحان، بیانگر تنفر واقعی از خلاء است. با این همه، نقوش شامل گره ها، برگ های پر مانند، غنچه ها، تزئیناتی به شکل گل و غیره است و به هنگامی که این نقوش ترکیب قالی نمازی را می پذیرند، در زمینه آن، گلدانهای گل دار بسیار نقشینی را ملاحظه می کنیم که در دو طرف آن دو عدد درخت زندگی قرار داده شده اند. شکنج خطوط محیطی، در اینجا نقصان یافته و سبک آن همسان تر شده است. اگر در جستجوی نقش هایی هستیم که این نقش با خطوط پیچیده از آن ملهم شده اند می توانیم به بخش هایی از نقوش قالی های قدیمی اصفهان که دارای اسلیمی گیاهی هستند، بپردازیم که در موزه ملی برلین نگهداری می شود.

از بین ویژگی های قالی تهران، به تزئین خطی دور نقش ها اشاره کنیم که در غالب موارد با رنگ های سیاه یا آبی تیره مشخص تر شده اند و موجب برجسته تر نمودن طرح هامی گردند. با برگرداندن قالی، احساسی از دیدن یک نقش برجسته به ما دست می دهد، و بخصوص برای تشخیص قالی های نمازی که

با ظرافتی مشابه کرمان یا کاشان بافته می شوند، از حاشیه می توان استفاده قابل توجهی نمود بخصوص از قاب های ثانوی که طرح آنها ظریف تر است. در واقع، در بزرگترین قاب که نقش آن متغیر است، می توانیم نقش ترنج های کوچک، ختمی های درختی، گل های کوچک (که در بین آنها برگ های تزئینی نخل به تناوب قرار دارند)، خوشه های بزرگ و پرندگان را پیدا کنیم، در قاب های ثانوی که معمولاً تعداد آنها شش عدد است، این نقوش تقریباً همیشه بر طبق ترکیب ساده ای به شرح زیر قرار گرفته اند: قاب بیرونی نشانگر نقش مداخل Medachyl است که نوعی توری پشت سر هم می باشد و معمولاً در قالی های مشرق زمین به آن بر می خوریم. دومین قاب نشانگر گل های کوچک شش پر است که بطور منظم در طول یک خز ماریچ، به تناوب، قرار گرفته اند. در قاب سوم نیز همان نقش مداخل را باز می یابیم. سپس به همین ترتیب سه قاب ثانوی بعدی قرار می گیرند.

رنگ بندی:

فرشهای تهران بیشتر از رنگ روشن برای زمینه استفاده می کنند. ولی رنگهای ویژه قالی تهران عبارتند از رنگ لعل تیره فام برای زمینه و آبی بسیار لطیف برای لچک ها. رنگهای دیگری همچون: سیاه (بخصوص در خطوط محیطی نقشها)، آبی تیره، گلی همانند رنگ های آزاد یا بنفش، سفید عاجی، سبز نخودی، سبز کهنه، و قرمز تیره و زرد خردلی نیز استفاده می شوند و غالب رنگها، گیاهی است.

به طوریکه در تهران امروز فرشهای مناطق مختلف ایران تولید می شود. اهالی شهرکهای اطراف تهران به ویژه اسلامشهر به تولید انواع قالیهای ایران به خصوص قالیهای ظریف تبریز و قم و نائین مشغول هستند. همچنین کارگاههایی به صورت متمرکز در چند جای تهران به تولید فرش مناطق مختلف و نیز قالیهای دارای طرح و تصویر و تابلو فرش پرداخته اند و مراکز آموزشی متفاوت نیز به آموزش طراحی و بافت قالی برحسب علاقه و سلیقه اشتغال دارند. نکته لازم به ذکر درباره تولیدات امروز قالی تهران این است که بعضی از طرحهای مورد استفاده را می توان متعلق به همه جای ایران دانست و بعضی دیگر به هیچیک از سبکهای طرح و نقش فرش ایران مشابهت ندارد. می توان گفت که تهران امروز از سنت و هویت خاصی در شیوه های طرح، نقش بافت برخوردار نیست.

استقرار مرکز اصلی شرکت سهامی فرش ایران در این شهر و نقشی که این شرکت در بهبود کیفیت فرش ایران دارد و همچنین وجود واحدها و کارخانه های متعدد پشم شوئی، ریسندگی و رنگرزی در تهران و حومه آن مانند کرج که پشمهای استاندارد را تهیه می کنند، موزه فرش ایران و بالاخره بازار بزرگ تهران که مرکز مهم معاملات فرش و مواد اولیه مورد نیاز آن می باشد. توأمآ به این شهر موقعیت و اهمیت ویژه ای در هنر و صنعت قالی بافی ایران می دهند.

تاریخچه طراحی فرش ایران:

این هنر در ایران از حدود ۴۵۰ سال پیش یعنی در دوران حکومت شاه طهماسب شروع شد و تا به امروز نیز ادامه دار می باشد. از همان سال های اول شروع این هنر در ایران ، همواره طراحان نامدار فرش در میان مردم زبانزد بودند و به عنوان بزرگترین هنرمندان کشور شناخته می شدند. طراحی فرش در ایران با طراحی طرح های هندسی شروع شد که این طرح ها زیبایی فوق العاده چشمگیری داشتند و باعث شدند که فرش های ایرانی از همان روزهای نخست زبانزد شود.



هنر طراحی فرش از شهر کرمان در ایران آغاز شد ولی خیلی زود به تمامی شهرهای کشور صادر شد و امروزه شاهد آن هستیم که طراحان بزرگ فرش ایران از شهرهای مختلف کشور هستند. در ادامه به معرفی برخی از مهمترین طراحان نامدار فرش ایران که در این هنر بسیار معروف هستند خواهیم پرداخت تا بیشتر با آنها و تعدادی از طراحان فرش تهران آشنا شوید.

شروع طراحی نقش فرش در ایران:

همانطور که گفته شد شروع هنر طراحی فرش در ایران به زمان شاه طهماسب بازمی گردد ، در این زمان طراحان نامدار فرش انگشت شمار بودند و این هنر در کشور هنوز جا نیفتاده بود. از جمله طراحان نامدار فرش ایران در این دوره را می توان افرادی همچون رضا عباسی ، میرک و سلطان مجد نقاش دانست. بعد از این چند تن تا مدت های بسیار طولانی ایران هنرمندی در زمینه طراحی فرش نداشت تا اینکه بعد از مدتی یکی دیگر از طراحان نامدار فرش در کرمان ظهور کرد. این شخص کسی نبود جز محسن خان هنرمند بزرگ کرمانی.

شهرهای مهم در هنر طراحی فرش:

به صورت کلی چند شهر بزرگ وجود دارند که تاثیر بسیار زیادی را در هنر طراحی فرش دارند البته این به آن معنا نیست که تمامی هنرمندان و طراحان نامدار فرش ایران در این شهرها به دنیا آمدند ، بلکه هنرمندان اصلی و بیشترین هنرمندان و طراحان نامدار فرش ایران متعلق به این شهرها می باشند. شهر کرمان را می توان به عنوان نقطه شروع طراحی فرش در ایران دانست ، شهرهای مشهد و اصفهان نیز از جمله شهرهایی هستند که بسیاری از هنرمندان و طراحان نامدار فرش ایران را تربیت کردند. شهر کاشان دارای هنرمندانی است که سبک خاصی در طراحی فرش ها دارا هستند و به همین دلیل فرش های این شهر معمولا دارای نقش های بسیار زیبا می باشند. شهرهای تبریز و تهران نیز از دیگر شهرهایی هستند که دارای تعداد بسیار زیادی از طراحان نامدار فرش ایران هستند.

طراحان نامدار فرش ایران متولد سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰:

مجید حاجی بلند یکی از طراحان نامدار فرش ایران می باشد که در سال ۱۳۱۰ در شهر تبریز به دنیا آمد ، این هنرمند بزرگ تبریزی دارای آثار هنری بسیار زیادی در زمینه طراحی فرش می باشد که باعث می شود ایشان یکی از بهترین طراحان فرش در شهر تبریز باشد. از دیگر طراحان نامدار فرش که در شهر تهران به دنیا آمده است جعفر پاکدشت است.

طراحان نامدار فرش ایران متولد سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰:

در این سال ها هنرمندان بسیار بزرگی در زمینه طراحی فرش به دنیا آمده اند که از جمله آنها می توان به هنرمندانی همچون احمد بهبودی هنرمند مشهدی ، علی صانعی هنرمند کاشانی ، احمد دادخواه و احمد کوشش طراحان فرش اصفهانی ، احمد رسولی طراح فرش کرمانی و در پایان برخی از هنرمندان تهرانی جوان همچون حسین رضایی ، معصومه حسینی و مسعود فراهانی اشاره کرد.

نقش قابی (خشتی):

متن فرش در این طرح ها به قسمت ها یا قاب های مختلفی تقسیم گشته که به طور منظم در کنار هم قرار دارند و در داخل هر قاب با گل و برگ های مختلفی تزیین شده است. گروه های فرعی آن قابی اسلیمی، قابی قرآنی کرمان یا ستونی را می توان نام برد. فرش تهران موجود در اتاق خاتم کاخ سبز نقش قابی دارد .

سعدآباد:

در پهنه پر طراوت کوهپایه های توچال و دره سرسبز دربند، بخش دل انگیزی از شمال شهر تهران شکل می گیرد که مجموعه سعدآباد با یک میلیون و صد هزارمترمربع وسعت دراین گستره غنوده است.

سعدآباد که از شمال با کوههای البرز، از مشرق با گلابدره، از مغرب با ولنجک و از جنوب با تجریش همسایگی دارد، در زمان قاجار، محل استقرار و سکونت تابستانی شاهان این سلسله بوده است.

پس از کودتای ۱۲۹۹، در وسعتی تازه و الحاق باغ های مختلف، به اقامتگاه تابستانی رضاخان اختصاص یافت، کاخ و کوشک هایی به مناسبت و ضرورت های گوناگون در جای جای این پهنه ی برتافته از درختان کهن و سپیدار و سرور، به فاصله ای از بازمانده بناهای قاجار سر برآورده که طی سالیان به چهارده کاخ کوچک و بزرگ، هرکدام به سبک و شیوه ای در معماری رسیده است.

حاج آقا رضا رفیع در خاطرات خود می نویسد: "من سعدآباد را از ابوالفتح سردار اعظم- پسر بانو عظمی خواهر ظلل السلطان به مبلغ چهارصد هزارتومان با مهر حاج آقا نورا... و کلباسی برای رضاخان سردار سپه خریداری کردم.

سعدآباد که من آن موقع خریداری کردم به این بزرگی نبود و وسعت آن هشت هزار متر کنار رودخانه با عمارت حالیه ملکه مادر بود. البته بعد از خریداری سعدآباد از سردار اعظم، تپه علی خان والی را از پدر سرتیپ والی به مبلغ هفت هزار تومان خریداری نمودم و این تپه همان تپه ای است که کاخ شهوند را رضا خان بر روی آن بنا کرد و مادر شاهپور عبدالرضا(عصمت دولتشاهی) در آن کاخ می نشست.

از باغ هایی که اراضی آنها داخل اراضی سعدآباد شد، باغ آقامجد جواد گنجه ای است که جزء جعفرآباد بود، از باغ امام جمعه هم مقدار زیادی داخل باغ سعدآباد شد و خانه های جنوبی سعدآباد که مربوط به دوره قاجار بود از نصیرالدوله خریداری گردید و در زمان پهلوی اول به عنوان سربازخانه سعدآباد مورد استفاده قرار می گرفت. سپس باغ های دیگری در اطراف سعدآباد از جمله باغ های سالار جنگ، سپهبد امان... میرزا، مستوفی الممالک، شکرآ... قوام الدوله، همدم السلطنه خواهر مستوفی و محمود بدر خریداری و جزو سعدآباد گردید. رضا خان در آن زمان در میان درختان چنار سعدآباد چادری می زد و گاهی هم زیر آن پذیرایی می کرد.



نمایی از کاخ سعد آباد

معرفی کاخ موزه سبز:

کاخ شهوند، که اکنون «کاخ موزه سبز» نامیده می شود، بی گمان یکی از زیباترین کاخ های موجود در کشور است، بنای اولیه این کاخ نیم طبقه ای متعلق به «علیخان والی» از زمینداران سرشناس قاجار بوده است، که توسط رضاخان در سال ۱۳۰۱ به مبلغ هفت هزار تومان خریداری شد. سپس «میرزا جعفر خان معمارباشی» بی آنکه ساختمان قبلی را از بین ببرد کاخ تابستانی رضاخان را پس از هفت سال تلاش بر روی آن ساخت.

علت سبز نامیدن کاخ استفاده از سنگ های سبز منحصر به فرد معادن خمسه زنجان در نمای خارجی آن است و در مصالح آن نیز از سرب استفاده شده است که از خرد شدن سنگها به علت تغییرات آب و هوایی جلوگیری میکند.

زیربنای کاخ ۱۲۰۳ مترمربع است که از دو بخش تشکیل شده، بخش اول شامل : پله ورودی، اتاق انتظار، اتاق کار، تالار آینه، اتاق غذاخوری خصوصی و اتاق خواب است.

بخش دوم، زیرزمین که در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۰ به دستور مجدرضا پهلوی برای پذیرایی از مهمانان خارجی به بخش اول افزوده شد که شامل: اتاق پذیرایی دو اتاق خواب و اتاق غذاخوری است.

در این کاخ انواع هنرهای ایرانی شامل آئینه کاری، گچبری، حجاری، تذهیب، خاتم کاری و ... بکار رفته است.

-آئینه کاری کاخ اثر استادان بنامی چون شیخان، حاج علی آخوندی و...

-تذهیب: اثر استاد حسین طاهرزاده بهزاد

-خاتم: اثر کارگاه استاد صنیع خاتم شیراز

-چهارستون سفید رنگ در بالای پلکانها از سنگ مرمر سفید رنگ بدون رگه معادن کارارا در ایتالیا، همراه با دو کتیبه نصب شده بیرون ساختمان به دولت ایران اهدا گردیده است و به دستور رضا شاه در این مکان نصب گردیده است.

-نرده چوبی پلکان کاخ به سبک حجاری های سربازان مادی، پارسی، هخامنشی در تخت جمشید منبت کاری شده اثر استاد مختاری است، وی یکی از شاگردان کمال الملک و اهل گلپایگان بوده است.



نمایی از کاخ موزه سبز

اتاق خاتم (اتاق کار پهلوی اول):

این اتاق به دلیل خاتم‌کاری‌های نفیس به اتاق خاتم مشهور است. خاتم‌کاری این اتاق کار استاد صنایع خاتم شیرازی است که از کنار هم قرار دادن میلمتری چوب، عاج، استخوان، صدف، مفتول‌های فلزی گاه‌برنج و طلا درست شده است. در این اتاق کلیه وسایل کار تا ارتفاع یک متر از روی زمین کتیبه‌پرده‌ها و گل‌میخ‌پرده‌ها هنر خاتم‌کاریست. این اتاق تنها مکانی است که در بازسازی سال ۱۳۵۰ دست‌نخورده باقی مانده است و تنها پرده‌های اتاق تعویض گردیده. بر روی دیوارهای این اتاق هنر تذهیب اثر استاد حسین طاهرزاده بهزاد چشم‌نوازی می‌کند. همچنین قاب عکسی از خاتم با تصویر تاجگذاری رضاشاه در ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ در کاخ گلستان نیز زینت‌بخش این اتاق است. و همچنین فرش ۴۳ متری بافت تهران این اتاق را مزین نموده است.



اتاق خاتم کاخ موزه سبز

فرش تهران در اتاق خاتم کاخ سبز :

فرشی بافت اواخر قرن ۱۲ هجری شمسی یا اوایل قرن ۱۴ هجری شمسی بافت تهران قدیم ۴۳ مترمربع در ابعاد ۵.۹۳*۷.۳۱ با نقش قابی و چهل رج و نقوش مهم اسلیمی و پرندۀ درچهار رنگ اصلی آبی، صورتی، نخودی و عاجی با گره متقارن و تارپنبه و پود پنبه و پرز پشم این اتاق را مفروش کرده است .



بخشهای از فرش تهران اتاق خاتم کاخ سبز

منابع:

۱- آشنبرنر، اریک، قالیها و قالیچه های شهری و روستایی، تولائی، جمشید و محمد رضا نصیری، انتشارات یساولی، تهران، ۱۳۷۴

۲- اطلس جدید ایران و جهان، مؤسسه کارتوگرافی سحاب، تهران ۱۳۷۹

۳- رکوعی، عزت الله، راهنمای دیدنیهای ایران، انتشارات کیوان، تهران ۱۳۸۰

۴- نجفی، ناصر، تهران قدیم، جانزاده، تهران ۱۳۷۵

۵- نصیری، محمد جواد، سیری در هنر قالیبافی ایران، مؤلف، تهران ۱۳۷۴

۶- هانگلدین، آرمن، قالیهای ایرانی، اصغر کریمی، فرهنگسرا، تهران ۱۳۷۵